

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۴۵

مُقَطَّعات

۴۶

در مورد کتاب خسرو و شیرین، که آن را تنظیم
و به شهزاده محمود تقدیم نموده است

کتاب خسرو و شیرین، که منتظم کردم
نه اختری ست، که از هر فلک شود اطالع
ز باغ طبع من آمد، چنین گل خوشبوی
مبین به چشم حقارت، درین خجسته کتاب
مطالبی، که درو هست از خفی و جلی
سپهر فضل و خرد راست، اختر روشن
مدایح من، اوصاف شاه و شهزاده
به نام نامیت، ای آفتاب اوج وقار
نه گوهری ست، که بر هر سری کنند نثار
به تاج نام تو زبید، چنین در شهوار
که بس بلند مکان است و بس گران مقدار
معانی، که درو هست از صِغار و کبار
ریاض عقل و هنر راست، نوگل بیخار
درین کتاب، که چون بلبلی ست قصه گزار

^۱ "طالع": اسم فاعل از مصدر "طلوع" و در معنای "طلوع کننده" یا "بالا شونده" است.

زبان دهر به هر مجلسی کند تکرار
هزار بار به است، از هزار مُلک و دیار
وزان صفت، که ندارد بقا زر و دینار
که کس نکرده چنین خدمتی، درین دربار
چه احتیاج به گفتار اندک و بسیار

حکایتی ست، که آن را به سالهای دراز
به نشر نام نکو زین کتاب، هر بیتی
بدان دلیل، که باشد بقای نام، به شعر
سزد، که فخر کنم، سالها بدین خدمت
تو خود به از همه کس، قدر هرکسی دانی